



## انضباط اسلامی

۱ - بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ سَمِیْعٌ عَلِیْمٌ

: ای افراد باایمان (درهیچ موردی) برخدا و رسول او سبقت

نگیرید و از مخالفت خدا بپرهیزید خداوند شنوا وداناست .

هدف سوره تشریح يك سلسله دستورات زنده واززنده اخلاقی واجتماعی است که پدید -  
آورنده مدینه فاضله وسازنده جامعه پاك ودور ازهر گونه اخلاق نکوهیده ، میباشد . شماره آیه -  
های این سوره باتفاق مفسران ۱۸ تااست ولی درضمن آیات این سوره کوتاه ، دستورهای جامع  
وسودمندی برای تهذیب روح وروان وارد شده که اگر این قیود وروشهای اخلاقی درهر محیطی  
عملی گردد ، محیطی آرام ومملو از لطف و صفا ودور از هر گونه رذیله اخلاقی بوجود خواهد آمد .  
این سوره دورنمایی از جامعه پاك وبی آلایشی را در نظر ما ترسیم میکند که در آنجا زبان و  
گوش افراد حتی اندیشه وخیال آنان (گمان بد) آزادی مطلق ندارند ، که هر چه بخواهند بگویند  
وهر چه بخواهند بشنوند . و هر گونه خیالی را بخواهند درباره افراد انجام دهند . اینک بطور  
اجمال فهرست مجموع دستوراتی را که در این سوره ، وارد شده ، میآوریم :

۱ - نخستین دستور خود را با طرح مسأله انضباط شدید در برابر خداوند ورسول و آغاز  
میکند ومنظور از این انضباط اینست که مسلمانان ، تشریح وتقتین را از آن خدا بدانند ، دستگاه  
قانونگزاری را بازیچه میول وخواسته های خود ن سازند .

۲ - به افراد باایمان دستور میدهد که چگونه باپیشوای بزرگ خود سخن بگویند .

۳ - به افراد باایمان دستور میدهد که گواهی کسانی را که در میان آنها معروف به فسق  
میباشند وازگناه پرواندارند ، قبول نکنند .

۴ - بر هر فرد مسلمانی لازم است که علیه هرستمگری قیام کند ، تا آن که حق مظلوم را  
از ظالم بستاند .

۵ - بحکم این سوره همه مسلمانان برادرند ، وباید کوشش کنند که در میان آنها صلح و  
صفا برقرار باشد .

۶ - هیچ فرد مسلمانی حق ندارد مسلمان دیگر را مسخره کند و یا همدیگر را بالقباح بد صدا بزنند .

۷ - بدگمانی در حق برادر مؤمن حرام است .

۸ - جاسوسی و دخالت در امور نهانی مردم اکیداً ممنوع میباشد .

۹ - بدگوئی پشت سر مسلمان از گناهان بزرگ است .

۱۰ - بالاخره در این سوره به مسأله تبعیضات نژادی خاتمه داده شده و ملاک برتری و فضیلت تقوی و پرهیزکاری از گناه شمرده شده است ، پس از این ده دستور اخلاقی به یک سلسله مطالب دیگری پرداخته شده ، که تفسیر هر کدام طی شماره هائی خواهد آمد . آیا با ملاحظه این دستورات برتری مکتب اخلاقی قرآن بر سایر مکتبهای اخلاقی جهان روشن و هویدا نمیکردد ؟

**این سوره مدنی است نه مکی :** سوره های مکی و مدنی را از دوراه میتوان شناخت .

۱ - روایات و احادیثی که محل نزول سوره را معین میکند . ۲ - غور و تدبر در مضامین آیات سوره که میتواند غالباً سند گویا بر مکی و مدنی بودن سوره و آیه ها گردد . و از آنجا که محیط های مکه و مدینه دو محیط مختلف بودند ، با بدست آوردن افکار ملت هر محیط میتوان از طرز مطالب سوره محل نزول سوره ها و آیه ها را بدست آورد .

مثلاً محیط مکه ، مرکز شریک و بت پرستان بود ، یهود و نصاری در آنجا نفوذ نداشتند ، و افراد با ایمان در آنجا در اقلیت بودند ، مسائل جهاد و مبارزه با قوه و نیرو در آنجا مطرح نبود ، و پیامبر غالباً بابت پرستان سر و کار داشت . و نقطه اختلاف پیامبر با مشرکان در مسأله توحید و یگانگی خدا و تجدید حیات و زندگی در روز ستاخیز بود .

بنابر این آیاتی که محور بحث در آنها مسأله مبدء و معاد و توجه دادن مردم بزنگانی ملت هائی که بر اثر نافرمانی خدا و رسول او گرفتار خشم گردیده اند ، باشد ، قطعاً در مکه نازل شده است ولی محیط مدینه ، محیط ایمان و تقوا ، مرکز نفوذ اهل کتاب و بالاخص طوائف یهود ، زادگاه جوانان و قهرمانان دلاور اسلام و بالنتیجه محیطی بود که مسلمانان در آنجا مسائل اصولی را پشت سر گذارده و نوبت آن رسیده بود که به یک سلسله وظائف عملی و دستورات اجتماعی و اخلاقی (مانند نماز و روزه و زکاة و ..) متوجه شوند ، روی این لحاظ آیاتی درباره تورات و انجیل و عقائد اهل کتاب ، و شرح وقایع نبردها و جنگ های مسلمانان با اهل کتاب و مشرکان نازل گردیده و یا متضمن شیوه های اخلاقی و دستورات مذهبی از واجبات و مستحبات میباشد ، باید همگی مدنی و به اصطلاح (۱) پس از مهاجرت پیامبر از مکه به مدینه نازل شده باشد ، زیرا در محیط مدینه سر و

(۱) آیاتی که در حجة الوداع در سرزمین مکه بر پیامبر نازل گردید ، از نظر اصطلاح مدنی است گرچه در سرزمین مدینه نازل نگردیده است زیرا امیزان در مدنی بودن اینست که پس از مهاجرت به مدینه نازل شده باشد و ما برای ملاحظه همین مطلب اصطلاح فوق را در بالا متذکر شدیم .

کار پیامبر با جوانان اوس و خزرج و طوائفی از اغراب که تدریجاً اسلام می‌آوردند بود، دیگر موقعیت ایجاب نمی‌کرد درباره نکوهش بتان داد سخن بدهد .

بنا بر هردو طریق باید آیات این سوره را مدنی بدانیم، زیرا علاوه بر اینکه همه مفسران اتفاق دارند که این سوره مدنی است، و فقط از ابن عباس نقل شده که وی گفته سیزدهمین آیه این سوره درمکه نازل گردیده است، مضامین آیات گواه زنده بر مدنی بودن آن میباشد، زیرا محیط مکه مناسب با طرح چنین مسائل اخلاقی نبود، هنوز آنها در مسائل اساسی اسلام (مبدئیه و مفاد) گیر و تو درید داشتند، و نبوت او را تصدیق نکرده و به رسالت جهانی او ایمان نیاورده بودند در چنین محیط هرگز موقعیت نداشت که پیامبر درباره مسائل اخلاقی مانند سوه ظن و غیبت سخن بگوید. از این گذشته طرف خطاب در این سوره مؤمنان است، و خداوند این سوره را با لفظ یا ایها الذین آمنوا آغاز نموده، و تا آخر سوره روی افراد با ایمان تکیه کرده است. اینها همه نشانه‌های قطعی مدنی بودن سوره میباشد.

### انضباط شدید در برابر خدا و رسول او

منظور از این انضباط در برابر خدا و پیامبر او اینست که همه افراد باید احکام و قوانین و حقوق فردی و اجتماعی را از یک نقطه الهام بگیرند، و از یک سرچشمه زلال سیراب شوند، و از یک فکر که از همه فکرها برتر و بالاتر است پیروی نمایند.

خلاصه، شخص باید که دستگاه تقنین و تشریح را بگردش در آورد که یک انسان شناس کامل باشد و از تمام اسرار و رموز و ریزه کاریهای نهانی انسان و روحیات او آگاه و مطلع باشد و هیچ نقطه مبهم و رموزی در زندگی انسان بر او باقی نماند، از این گذشته از هر گونه گناه و لغزش مصون باشد، و هیچگونه منافعی در اجتماع نداشته باشد، تا منافع شخصی محور فکر او را متوجه نقطه ای کند که مصلحت شخصی او در آن نقطه است. و یک چنین شخص با این خصوصیات، پروردگار جهان است، زیرا اوست که از تمام اسرار و درون و برون ما آگاه است، اوست که از هر گونه لغزش و اشتباه مصون میباشد، و کوچکترین سودی در اجتماع ندارد.

اکنون اگر ما این انضباط شدید را از دست دادیم، و دستگاه قانونگزاری را بدست خود گرفتیم، در این صورت در صحنه زندگی بسان ارتشی خواهیم بود که فرماندهی واحد نداشته باشد چنین ارتشی هر چند هم مجهز و آماده باشد، ولی از آنجا که فرماندهان مختلفی دارد، آنچنان دچار هرج و مرج میشود که در اندک زمانی زیر فشار قدرت دشمن نابود میگردد.

درست صحنه زندگی مانند جبهه جنگ است، و میول و خواسته هر فرد و یاهر طبقه و تپیی، مانند مراکز فرماندهی است که این افراد و طبقات را در کشمکش عجیبی قرار میدهد و آنچنان دچار هرج و مرج میگردد که حقوق و عدالت از میان میرود. خداوند لزوم این انضباط شدید

رادراین سوره باین جمله بیان کرده است: **لا تقدموا بین یدی الله ورسوله**: یعنی در حوادث و وقایع بر خدا و رسول او پیشی نگیرید، سپس در آیه هفتم، روی عصمت و ثبات او از لغزش و اشتباه، تکیه کرده و میگوید: **واعلموا ان فیکم رسول الله لویطیعکم فی کثیر من الامر لعنتم** یعنی: از آنجا که پیامبر از جهان وحی الهام میگیرد، کوچکترین خطائی در قوانین او نخواهد بود؛ ولی اگر او از شما پیروی نماید، از آنجا که شما گرفتار میول و خواسته های شخصی هستید چه بسا دانسته و یاندانسته در ضرر می افتید، بنابراین ما در صورتی یک جامعه مؤمن و مسلمان واقعی خواهیم بود که جمله: **لا تقدموا بین یدی الله ورسوله** (۱) نصب العین مآقرار گیرد.

### نمونه دیگر از سبقت بر خدا

بسیاری از افراد با ایمان در اصل تشریح و قانون گذاری انضباط فوق را مراعات میکنند و بدون موافقت رای شارع، حکم نکرده نظر نمیدهند، ولی همین افراد، بامداخله دادن سلیقه های شخصی و محلی در عمل به احکام آسمانی، بر خدا و رسول او سبقت گرفته و دستور **لا تقدموا بین یدی الله ورسوله** را نادیده میگیرند، و گاهی روی خیالات نفسانی و یا تأثیر محیط، به افکار و سلیقه های شخصی که مخالف صریح دستور شرع است رنگ قدس و تقواداده، و آنرا بر فرمان آسمانی مقدم میدارند.

آفت ما مسلمانان بیشتر در اینگونه سبقت جوئی است، که حاضر نیستیم حق و حقیقت را از هر گونه پیرایه عاری ساخته و آنرا مورد عمل قرار دهیم، ما اکنون نمیتوانیم نمونه هایی از این نوع سبقت جوئی که روح آن مقدم شمردن سلیقه بر دستور شرع انور، و یا ترس از تفسیق و تکفیر گروهی میباشد بشماریم، ولی روی ملاحظاتی دو نمونه از این اعمال سلیقه ها که در صدر اسلام اتفاق افتاده، بیان مینمائیم و مثالهای مناسب عصر را به خود خوانندگان واگذار میکنیم.

۱ - در رمضان یکی از سالهای هجرت پیامبر با عده ای از اصحاب خود بسوی مکه حرکت کرد وقتی به «**گراع الغمیم**» رسید ظرف آبی خواست و روزه خود را میان دو نماز ظهر و عصر شکست و دستور داد که دیگران نیز افطار کنند، زیرا خداوند دستور روزه بر غیر مسافر قرار داده است، ولی دسته ای مقدس نما تصور کردند که اگر با حالت روزه مسافرت کنند، اجر بیشتری خواهند داشت، خیال نفسانی خود را بر دستور پیامبر مقدم داشته بهمان حالت روزه باقی ماندند، و پیامبر نام این دسته را، جمعیت گناهکار نامید (۲)

(۱) لفظ «قدم» اگر بالقضامع والی استعمال شود معنای متعددی خواهد داشت و در غیر این صورت مانند آیه لازم خواهد بود، و ترجمه آیه اینست که بر خدا و رسول او تقدم و سبقت مگیرید.

(۲) «سماهر رسول الله عصاة» کتاب صوم و مسائل الشیعه ص ۱۲۵ طبع جدید.

بزرگترین آفت برای این ملت همین بود که در این لحظه که بسوی جهاد فی سبیل الله میروند ، از یک نقطه الهام نگیرند و هر دسته ای از یک فرماندهی خاصی پیروی کند .

۴ - در دوران عرب جاهلیت ازدواج با همسر پسر خوانده پس از طلاق برای انسان حرام بود ، خداوند برای کوبیدن این سنت غلط دستور داد که پیامبر عملاً این سدا را بشکند ، و با زینب مطلقه پسر خوانده خود «زینب» ازدواج نماید ، پیامبر با زینب ازدواج کرد ، برخی از افراد با ایمان با اینکه میدانستند افعال و اقوال پیامبر بی ملامت نیست و او در تمام این قسمتها از جهان وحی الهام میگیرد ، شروع به انتقاد کرده در گوشه و کنار ، ازدواج پیامبر را ، ازدواج غیر قانونی می‌شمرند و انگیزه آنها بر این انتقاد ، همان افکار محلی و سلیقه‌های شخصی موروثی بود ، که ازدواج با همسر پسر خوانده را یک عمل نامشروع جلوه میداد ، قرآن در تخطئه و کوبیدن اینگونه انتقادات نایباً که حاکی از عدم ایمان به حقیقت نبوت و شرع انور است ، در سوره احزاب آیاتی (۱) دارد که بنقل و ترجمه یکی از آنها اکتفاء میکنیم : **و ما كان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضی الله ورسوله امراً ان یکون لهن الخیرة من امرهم ومن یعص الله ورسوله فقد ضلّ ضلالاً مبیناً** (احزاب آیه ۳۶) یعنی هنگامیکه خدا و رسول او بر مطلبی دستور داد ، برای مردان و زنان با ایمان جای اعتراض و اختیار نیست ، هر کس خدا و رسول او را نافرمانی کند آشکارا گمراه شده است . مرحوم طبرسی میفرماید منظور از جمله **لا تقدموا** ... یک معنای وسیعی است که میرساند افراد با ایمان باید در هیچکاری و مطلبی بر خدا و پیامبر اوسبقت نگیرند ، و آنچه ما آنرا تشریح کردیم ، در حقیقت مصداقی از این معنای وسیع بود .

(۱) سوره احزاب - به آیه‌های ۴ و ۵ و ۳۶ و ۴۰ . مراجعه فرمائید .

(بقیه از صفحه ۵) است گرچه حفظ و نگاهداری این جمعیت عظیم و تأمین نیازمندیهای آن در حال حاضر کار بسیار دشواری است ، ولی هر چه هست سرچشمه ترقیات فراوانی در زمینه‌های مختلف شده است (البته کار به طرز تفکر و عقائد آنها نداریم) .

در مورد هندوستان که دومین کشور پر جمعیت دنیا است متأسفانه از وجود جمعیت انبوه درست استفاده نشده زیر اوضاع خاص کشور هند که از نژادها و مذاهب و دسته‌های فوق‌العاده مختلف و پراکنده با زبانها و فرهنگها و رسوم گوناگون تشکیل یافته امکان هر گونه همکاری نزدیکرا میان آنها از بین برده است ، و الا این کشور با آن جمعیت عظیم میتواند نقش بسیار مؤثرتری در داخل و در وضع دنیا داشته باشد .

\* \* \*

بهر حال پردازش‌ترین و مؤثرترین منابع حیاتی و امیدبخش یک مملکت همان ذخائر انسانی آنست که یکی از سرچشمه‌های اصلی هر گونه موفقیت و پیروزی محسوب میشود ، و از این بیان بخوبی نتیجه میگیریم که مبارزه با افزایش جمعیت کشور ما که از ناحیه جمعی افراد بی اطلاع صورت میگیرد مبارزه با عظمت کشور ماست .

و نیز از اینجا به عظمت و عمق دستورهای اسلام و گفتار پیرا رج رهبر عالیقدر آن ، که در آغاز مقاله به آن اشاره شد ، پی خواهیم برد .